

کاربردشناسی جمله‌های پرسشی در اشعار فریدون مشیری

دکتر فائزه عرب یوسف آبادی*

چکیده

یکی از انواع پرکاربرد کلام، جمله پرسشی است که زبان‌شناسان و بلاغت‌شناسان نقش‌های معنایی - منظوری گوناگونی برای آن در نظر گرفته‌اند. اشعار فریدون مشیری برای افزونی قدرت تأثیر و القای معانی به مخاطب، تجلی‌گاه نقش‌های معنایی - منظوری گزاره‌های پرسشی متعددی است. این ویژگی به دلیل بسامد بالا از شاخص‌های برجسته در سبک مشیری است که سخن وی را در میان شاعران معاصر متفرد و یگانه ساخته است. پژوهش حاضر در تلاش است تا با تکیه بر روش توصیفی - تحلیلی، با تحلیل کارکردهای زبانی گزاره‌های پرسشی اشعار مشیری، به بررسی ارتباطی مختلف این گزاره‌ها بپردازد؛ بدین منظور ۵۲۵ قطعه شعر از فریدون مشیری مورد بررسی قرار گرفت که از این میان ۳۶۳ جمله پرسشی با اغراض مختلف شناسایی شد. نتایج پژوهش حاکی از آن است که گزاره‌های پرسشی اشعار مشیری دارای ۲۴ نقش معنایی - منظوری مختلف هستند. تعدد نقش‌های معنایی - منظوری جملات پرسشی این حقیقت را اثبات می‌کند که صاحب این اشعار با ترفندهای زبانی و بلاغی به خوبی آشنا بوده و از زبان ادبی نرم، هموار و ساده با بالاترین ظرفیت ممکن آن بهره گرفته است.

واژه‌های کلیدی

نقش‌های منظوری، جملات پرسشی، شعر مشیری

* استادیار دانشگاه زابل. گروه زبان و ادبیات فارسی، زابل، ایران.

مقدمه

بلاغت در لغت به معنای وصول و انتهاست (ابن‌الاثیر، ۱۹۳۹: ۶۹/۱) و در اصطلاح عبارت است از روشنی معنا و زیبایی لفظ (العسکری، ۱۹۵۲: ۱۲). سخن بلیغ به سخنی گفته می‌شود که افزون بر فصاحت، به مقتضای حال گفته شده باشد. (التفتازانی، ۱۴۱۲: ۲۰) یکی از شاخه‌های علم بلاغت، معناشناسی یا علم معانی است که عبارت است از «علم به اصول و قواعدی که به یاری آن کیفیت مطابقت کلام با مقتضای حال و مقام شناخته می‌شود.» (علوی‌مقدم و اشرف‌زاده، ۱۳۸۱: ۲۹) موضوع علم معانی «افاده معانی ثانوی است که متلکم بلیغ، از کلام مطابق با مقتضای حال اراده می‌کند.» (رجایی، ۱۳۷۹: ۲۱)

علم معانی و دانش زبان‌شناسی و به تبع آن نقد نوین ادبی علاوه بر منشأ و تاریخچه مشترک، در بسیاری از زمینه‌ها و مباحث دیگر نیز دارای اشتراک و مشابهت‌های فراوانی‌اند. وجود مباحثی نظیر فصاحت کلام، عیوب مخل فصاحت، اغراض ثانوی کلام، بررسی بافت و ساخت جمله و کلام در علم معانی، شباهت و ارتباط بسیار زیاد این علم را با سه شاخه اصلی زبان‌شناسی و نیز نقد نوین ادبی آشکار می‌سازد. (أبوالعدوس، ۱۴۲۷: ۵۸)

در نقد نوین حوزه‌ها و شاخه‌های مختلفی برای بررسی معنی جمله وجود دارد، بررسی سازوکار و توصیف نیت گوینده، بیشتر در حوزه کاربردشناسی و مطالعه شیوه ارائه معنی در گفته و نوشته و بحث پیرامون چگونگی برداشت شنونده، اصالتاً در حوزه تأویل‌شناسی قرار می‌گیرد. بحث معانی و کاربردهای ثانوی جمله در علم معانی با شاخه معناشناسی در دانش زبان‌شناسی مرتبط است، نحو و ساختارهای نحوی جمله با شاخه نحو ارتباط دارد، و هم‌چنین از آن‌جا که علم معانی به بررسی کلام می‌پردازد می‌توان آن را با مبحث تحلیل گفتمان^۱ و علم

1- Discourse Analysis

□ فصلنامه زیبایی‌شناسی ادبی ❖ سال پانزدهم ❖ شماره ۳۴

کاربردشناسی یا نقش‌های معنایی - منظوری^۱ در نقد جدید ادبی مقایسه کرد.

از دیگر سو یکی از شاعران نوپرداز معاصر که می‌توان او را از شاعران صاحب سبک این دوره نامید، فریدون مشیری است. (صاحب اختیاری، ۱۳۸۴: ۱۰). «از نظر شکل برخی از شعرهایش بر پایه عروض سنتی و بیشتر آن‌ها بر پایه عروض نیمایی سروده شده است» (شاکری یکتا، ۱۳۸۴: ۱۴۷). «اشعار او عامه‌پسند و طرز شاعری‌اش گاه به سعدی نزدیک می‌شود؛ به طوری که می‌توان زبان شعری او را مانند سعدی برخوردار از ویژگی سهل ممتنع دانست» (دهقانیان، ۱۳۹۲: ۹۳). از نظر محتوا شعرهای او دارای مضامین عاشقانه، روایی و اخلاقی و اجتماعی و وطنی و اعتراضی است. «که برای همه کس ممکن است، روی دهد؛ اما همه کس نتواند آن را شاعرانه بیان کند و این کار توفیقی است برای او... راز توفیق او در زبان نرم، هموار و ساده اوست، شعر او با یک بار خواندن تمام زیبایی‌ها و رازهای خود را به خواننده می‌بخشد» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۰: ۵۴۰).

اسلوب‌های شعری مشیری از نظر دقت و بیان دارای اقسام گوناگون است که از مهم‌ترین مسایلی که می‌توان آن را ویژگی‌های برجسته و ممتاز شعر او شمرد، نقش‌های منظوری و معنایی اسلوب‌های انشایی است که بیان گزاره به صورت پرسشی و افاده اغراض ثانوی آن، از تأثیرگذارترین انواع این ترفندهای هنری به شمار می‌رود، به طوری که با تحلیل نقش‌های معنایی این گزاره‌ها می‌توان به فردیت و تشخیص هنری شعر مشیری و ارزش خلاقه آن دست یافت.

پژوهش حاضر با تکیه بر روش توصیفی - تحلیلی بر آن است تا جنبه‌های متعدد معنایی - منظوری گزاره‌های پرسشی را در این اشعار بررسی و میزان بهره‌گیری از مقوله پرسش برای بیان مقوله‌های گوناگون معنایی - منظوری را تبیین نماید و برای نمایش انتخاب هدف‌مند گزاره‌های پرسشی جهت اقناع هنری مخاطب، تعداد هر یک از گزاره‌ها با تجزیه و تحلیل کامل نشان داده شده است. پژوهش در راستای پاسخگویی به پرسش اصلی زیر شکل گرفت:

۵۰ کاربردشناسی جمله‌های پرسشی در اشعار فریدون مشیری

کارکردهای معنایی - منظوری گزاره‌های پرسشی در شعر مشیری چه مقدار است و کدام مقوله معنایی - منظوری بیشترین بسامد را در گزاره‌های پرسشی شعر مشیری دارد؟ برای رسیدن به پاسخ این پرسش ۵۲۵ قطعه شعر فریدون مشیری بررسی شد. نتایج اولیه حاکی از آن است که در اشعار فریدون مشیری ۳۶۳ گزاره پرسشی به شیوه استفهام مجازی یا پرسش غیر ایجابی به کار رفته است که نقش مهمی در بلاغت و تأثیر کنشی و بیرونی گزاره‌های زبانی دارند. ساز و کارهای گنشی این گزاره‌ها که تمامی آن‌ها برای انتقال تفکر، پیام و عواطف به کار رفته‌اند؛ به ترتیب بسامد عبارتند از: تحسّر و تأسّف، سرزنش و ملامت، ناامیدی، جلب توجه مخاطب، بیان تعجب و شگفتی، استفهام تقریری، اعتراض، تجاهل العارف، استفهام تأکیدی، تشویق، استفهام انکاری، بثّ و شکوی و گله‌مندی، تردید، نهی، عجز و ناتوانی، ناباوری، استبطاء (دیر انگاشتن و کند شمردن)، استبعاد، شمول حکم، هشدار، امیدواری، تعظیم، تحقیر و انکار.

پیشینه تحقیق

بحث از اغراض ثانوی جملات را نخستین‌بار زمخشری در تفسیر کشاف خود مطرح نمود و برخی از اغراض ثانوی جملات پرسشی قرآن کریم را ذکر کرد. پس از او می‌توان از تفتازانی و بحث تفصیلی وی از اغراض مجازی جملات انشائی یاد کرد. عموم کتب بلاغی پس از مختصر المعانی، در بحث از انواع جمله به بررسی سؤال و اغراض ثانوی آن پرداخته‌اند. از میان معدود پژوهش‌های انجام شده درباره نقش‌های معنایی - منظوری در غرب می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: توماس (۱۹۹۵م) در کتاب *Meaning in interaction*؛ آستین (۱۹۶۲م) در کتاب *How to do thing with words*؛ لیچ (۱۹۸۳م) در کتاب *Principles of pragmatics*؛ لوینسون (۱۹۸۳م) در کتاب *Pragmatics, Cambridge*. در زبان عربی: الزجاج (۱۹۹۸م) در کتاب *معانی القرآن و إعرابه؛ الحسینی (۱۴۱۳ق)* در کتاب *أسالیب البیان فی القرآن؛ المطعنی (۱۴۲۰ق)* در کتاب *التفسیر البلاغی للإستفهام فی القرآن الحکیم*. در زبان

□ فصلنامه زیبایی‌شناسی ادبی ❖ سال پانزدهم ❖ شماره ۳۴

کاربردشناسی جمله‌های پرسشی در اشعار فریدون مشیری □ ۵۱

فارسی، یارمحمدی (۱۳۸۱ش) در کتاب چه فکر می‌کنیم، چه می‌گوییم و چه می‌فهمیم؟؛ صفوی (۱۳۹۰ش) در کتاب درآمدی بر معناشناسی؛ و (۱۳۸۶ش) در کتاب آشنایی با معناشناسی؛ پالمر (۱۳۸۵ش) در کتاب نگاهی تازه به معناشناسی به تبیین مطالب مربوط به این نظریه پرداخته‌اند.

در بعد نقد عملی، شکری کاظم آبادی (۱۳۷۸) بیش از ۳۰۰ بیت حافظ را با هدف کشف مقوله‌های معنایی - منظوری استخراج کرده است. نتایج حاصل شده در پژوهش او نشان می‌دهد که بیش از ۷۰ درصد جمله‌ها در منظوره‌های شگفتی، نفی، انکار و تمنا و نهی به کار رفته‌است. رحیمیان نیز (۱۳۷۸ش) در پایان‌نامه خود نقش‌های معنایی - منظوری جملات پرسشی در غزلیات حافظ؛ را استخراج کرده‌است. رحیمیان و آرانی (۱۳۸۱) با استخراج ۹۱ جمله پرسشی از ۱۷ قطعه شعر اخوان ثالث به ۱۲ نقش از ۲۷ نقش معنایی - منظوری بیان شده از سوی شمیسا دست یافته‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که ۴۶ درصد جملات بیانگر غرض ناامیدی و یأس می‌باشد. باقری خلیلی و محمودی نوسر (۱۳۹۲)، در مقاله‌ای با عنوان «منظورشناسی جمله‌های پرسشی در غزلیات سعدی» غزلیات سعدی را از این دیدگاه مورد بررسی قرار داده‌اند. در این مقاله ۹ منظور از ۲۷ منظور بیان شده از سوی شمیسا در غزلیات سعدی یافت شده است.

با مشاهده تمامی این آثار این نکته مشخص می‌شود که در این پژوهش‌ها به تحلیل منظورشناختی اشعار مشیری پرداخته نشده است، و آن دسته از پژوهش‌هایی که به منظورشناختی دیگر آثار پرداخته‌اند، جامعه آماری متفاوت با جامعه آماری پژوهش پیش‌رو دارند؛ لذا پژوهش حاضر نخستین اثری است که از این منظر به اشعار فریدون مشیری می‌پردازد.

بحث و بررسی

از آن‌جا که پژوهش حاضر برپایه مؤلفه‌های کاربردشناسی و منظورشناسی مورد تحلیل قرار

۵۲ کاربردشناسی جمله‌های پرسشی در اشعار فریدون مشیری

می‌گیرد، لازم است درباره این شاخه از زبان‌شناسی سخن به میان آید. در کاربردشناسی به این نکته تأکید می‌شود که یک جمله می‌تواند در بسترها و بافت‌های مختلف نقش‌های متفاوتی داشته باشد. (یارمحمدی، ۱۳۸۱: ۱۴۸) به روش معمول، یکی از این نقش‌ها مرسوم‌تر است و بسامد بیشتری دارد و به قول علمای علم معانی، معنای اولیه محسوب می‌شود و نقش‌های دیگر، معانی ثانویه. (اله‌اشمی، ۱۴۲۵: ۵۲)

سه نوع کلام خبری، پرسشی و امری از اشتراکات زبان‌های بشری محسوب می‌شوند و در تمام زبان‌های دنیا حداقل دو یا سه نوع از این جملات یافت می‌شود. (Layouns, 1990: 3) گوینده برای دادن خبر، کسب اطلاع و صدور فرمان به ترتیب از جمله‌های خبری، پرسشی و امری استفاده می‌کند؛ اما «در کاربرد روزانه زبان، چه در گفتار و چه در نوشتار ممکن است صورت دستوری جمله با نقش معنایی و منظوری آن مطابقت نداشته باشد» (رحیمیان، ۱۳۸۱: ۱۷) مثل این که جمله پرسشی را برای بیان امر و فرمان به کار ببریم یا از جمله امری برای بیان معنای توبیخ یا نهی استفاده کنیم.

در این میان، گزاره‌های پرسشی با کارکردهای بلاغی ویژه‌ای که دارند از اهمیت فراوانی برخوردارند. در ادامه برای نشان دادن جنبه‌های متعدد معنایی - منظوری گزاره‌های پرسشی در اشعار فریدون مشیری، جداگانه به معرفی آن‌ها می‌پردازیم.

کاربردشناسی جملات پرسشی

در کارکرد منطقی زبان از گزاره‌های پرسشی به منظور کسب اطلاع از امر مجهول استفاده می‌شود؛ زیرا در تعریف پرسش گفته‌اند که: «طلب علم به چیزی است که از قبل معلوم نباشد» (مطلوب، ۱۴۰۳: ۱۸۱)؛ هم‌چنین استفهام را به «طلب حصول چیزی در ذهن» نیز تعریف کرده‌اند (السکاکي، ۱۴۰۷: ۳۰۳). انگیزه غالب از کاربرد پرسش، کسب خبر است که به آن‌ها جمله‌های پرسشی ایجابی می‌گویند؛ اما دسته دیگری از جمله‌های پرسشی در پی طرح پرسش به منظور کسب خبر نیستند که به آن پرسش غیرایجابی می‌گویند و آهنگ خیزان آن‌ها وظیفه

کاربردشناسی جمله‌های پرسشی در اشعار فریدون مشیری □ ۵۳

طرح پرسش را بر عهده دارد و هدف از کاربردشان تأثیر بیشتر بر مخاطبان است. (شمیسا، ۱۳۸۳: ۱۴۵)

آنچه در دانش معانی از آن سخن می‌رود، تنها پرسش هنری است و آن پرسشی است که هدف از طرح از آن آگاه شدن نیست و انگیزه‌ای جز دانستن او را به پرسیدن وامی‌دارد، این پرسش همواره بی‌پاسخ می‌ماند و نشانی از حال و هنجار روانی سخنور دارد. صاحب معالم البلاغه از این نوع استفهام با نام‌های استفهام‌های مجازی و تولیدی یاد کرده و معانی زیر را برای آن ذکر کرده‌است: ۱- استبطاء ۲- تعجب ۳- تنبه ۴- امر ۵- نهی ۶- استبعاد ۷- تحسر ۸- استیناس ۹- وعید ۱۰- تهکم ۱۱- تقریر (باقری خلیلی، ۱۳۹۲: ۴۶).

سیروس شمیسا این تقسیم‌بندی را گسترش داده و ۲۸ معنای منظوری - کاربردی را برای گزاره‌های پرسشی غیرایجابی یا بلاغی برشمرده‌است که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: تشویق، توییح و ملامت، اظهار مخالفت و بیان عجز، تعجب و حیرت، شمول حکم، اغراق، تأکید و تقریرخبر و جلب توجه، تجاهل مفید اغراق، بیان منافات و استبعاد، استیناس، تنبه و عبرت، تمنا و آرزو، امر، نهی (شمیسا، ۱۳۸۳: ۱۳۵-۱۴۴).

در اشعار فریدون مشیری ۳۶۳ گزاره پرسشی به شیوه استفهام مجازی یا پرسش غیرایجابی به کار رفته‌است که نقش مهمی در بلاغت و تأثیر کنشی و بیرونی گزاره‌های زیبایی دارند. سازوکارهای کنشی این گزاره‌ها که تمامی آن‌ها برای انتقال تفکر، پیام و عواطف به کار رفته‌اند؛ به ترتیب بسامد عبارتند از:

۱- تحسر و تأسف

در این بخش شاعر با استفهام حسرت خود را ابراز می‌کند و اظهار تأسف می‌کند. در شعر فریدون مشیری اغلب این پرسش‌ها مربوط به مسائلی عاطفی است که از درون او می‌جوشد و «خویشتن خویش» را در آن مجسم می‌کند و تأثرات خود از زندگی و طبیعت می‌پردازد. این نوع کاربرد از گزاره‌های پرسشی بالاترین بسامد را (۵۵ پرسش معادل ۱۵٪ درصد از کل پرسش‌های بلاغی) در اشعار مشیری به خود اختصاص داده‌است؛ زیرا محور و اساس شعر او

۵۴ کاربردشناسی جمله‌های پرسشی در اشعار فریدون مشیری

احساس و عاطفه است. این ویژگی به دلیل بسامد بالا از شاخص‌های برجسته در سبک مشیری است که سخن وی را در میان شاعران معاصر متفرد و یگانه ساخته است. در نمونه زیر شاعر برای حال دل عاشق پندناپذیر خود چنین افسوس می‌خورد:

«آه، ای دل غمگین که به این روز فکندت؟/ فریاد که از یاد برفت آن‌همه پندت/ ای مرغک پرسته کدامین هوس‌آموز/ بی‌بال و پرت دید و چنین بست به بندت؟» (مشیری، ۱۳۸۸: ۸۹۳). چنین پرسشی نشان‌دهنده این حقیقت است که قلب شاعر از اندوه فراق آزرده است و کسی جز خود شاعر سرّ ضمیر سوخته‌اش را در نمی‌یابد. در نمونه دیگر نیز شاعر از این حسرت می‌خورد که رنج و اندوه عشق مجالی برای دیدن زیبایی‌های دنیا نمی‌گذارد:

«یک کهکشان شکوفه گیلان را دریغ! / باید ز پشت پرده‌ای از اشک بنگرم؟»^۱ (همان: ۱۲۷۲).

۲- سرزنش و ملامت

وجود ساختار به ظاهر نامرتب پرسش‌های زیر که از سازوکار کنشی سرزنش و ملامت برخوردار است، یک استراتژی هدفمند برای القای تشویش شاعر و درهم‌شکستگی اجتماع انسان‌ها در روزگار او است؛ زیرا هنر و به‌ویژه شعر معاصر دارای نظامی بسته و مستقل و تنها نیست (Frow, 2005: 48) و هر شعر در واقع یک بینامتن است که محل تلاقی و تقاطع مفاهیم متعددی از جمله مسائل اجتماعی و سیاسی می‌باشد (Abrams, 1993: 285). از آن‌جا که دادوستدهای ادبی به شکل‌های مختلف در ادبیات جهان وجود دارد، در شعر مشیری نیز چنین رویکردی آشکار است.

بسامد بالای پرسش‌های ملامت‌بار اشعار مشیری نشان‌دهنده دنیای سرد و منجمد ایران پس از سال‌های ۱۳۲۰ است که روحیه یأس و استیصال در روشنفکران آن زمان پس از واقعه کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به اوج رسید و بسیاری از فعالیت‌های فرهنگی و سیاسی را به یک‌باره

۱- برای ملاحظه نمونه‌های بیشتر رک: صص ۱۱۶-۱۱۷-۱۱۸-۱۳۹-۱۳۴-۱۵۷-۱۷۱-۱۷۷-۱۷۶-۲۰۸-۲۲۶-۳۵۵-۴۰۷ (سه مورد)-۴۲۷-۴۴۱-۴۷۷-۴۸۳-۵۲۳-۵۵۴ (۴ مورد)-۵۹۷-۶۰۴ (۲ مورد)-۶۱۶-۶۳۲ (۷ مورد)-۶۴۷-۸۶۲-۸۸۴ (۲ مورد)-۸۹۳-۱۰۱۴-۱۰۱۹-۱۱۷۱-۱۲۴۱-۱۲۵۴-۱۲۷۲-۱۳۵۰-۱۳۹۹-۱۴۵۰-۱۵۴۴-۱۵۶-۱۵۶۶.

کاربردشناسی جمله‌های پرسشی در اشعار فریدون مشیری □ ۵۵

در افول مطلق فرو برد. تبعات این واقعه در شعر مشیری به شکل نارضایتی از شرایط اجتماعی جلوه‌گر شد که شایسته ملامت است. در ادامه برای نشان‌دادن این کاربرد چند نمونه از این گزاره‌ها را عیناً نقل می‌کنیم:

«روز و شب به دست خویش اسیر / آسمان به سر چه تاجی زد؟ / پاس این گونه تاختن چون تیر» (مشیری: ۱۰۵۵-۱۰۵۶).

«هیچ و باد است جهان؟ / گفتی و باور کردی؟ / کاش یک روز به اندازه هیچ / غم بیهوده نمی‌خوردی»^۱ (همان: ۱۲۴۰).

۳- ناامیدی

این بخش از گزاره‌های پرسشی دیوان فریدون مشیری نشان‌دهنده مفهوم ناامیدی است. عوامل، زمینه‌ها و رویکردهای گوناگونی در شکل‌گیری موضوعات یأس‌آمیز در شعر معاصر و به تبع آن شعر مشیری نقش داشته و نیز در خلق تعابیر و تصاویر شاعرانه و بیان بلاغی مفاهیم موثر بوده‌است. سخن از یأس اجتماعی اشعار یک شاعر بدون در نظر گرفتن مسائل فرهنگی و اجتماعی روزگار او کاری بیهوده و عبث به نظر می‌رسد. بروکر قرن هفدهم را آغازگر عدم انسجام و نیز دوگانگی ذهنی اروپا می‌داند (Kenner, 1949: 421). نوسان از تمرکز بر عقل در عصر روشنگری و احساسات در عصر رمانتیک، در نهایت منجر به سرخوردگی عظیم در دوران مدرن شد (Bloom, 1999: 40). این مسأله سبب شده‌است که شاعران و نویسندگان دوره معاصر، به انعکاس یأس و ناامیدی پس از جنگ جهانی اول در آثار خویش پردازند (Bentley and Brooker, 1990: 17).

با توجه به آنچه گفته شد، بسامد قابل توجه کاربرد ناامیدی در گزاره‌های پرسشی شعر مشیری، افسردگی و تزلزل روحی نسلی را منعکس می‌کند که از ناامیدی و تنزل معنوی

۱- برای ملاحظه نمونه‌های بیشتر رک: صص: ۶۷-۷۱-۸۲-۱۷۹-۱۹۹-۲۵۸-۲۷۵-۲۹۴-۳۴۹-۳۸۷-۴۲۰-۴۲۳-۵۱۵-۵۱۶-۵۲۹-۵۵۴-۵۶۸-۵۹۳-۶۲۰-۶۲۱-۶۳۲-۶۶۳-۶۸۲-۶۸۴ (۳ مورد)-۸۶۲-۸۶۹-۹۰۸-۹۱۶-۱۰۰۹-۱۰۱۰-۱۰۱۴-۱۰۵۵-۱۰۵۶-۱۱۴۷-۱۲۰۳-۱۲۰۶-۱۲۱۱-۱۰۵۲-۱۰۶۱-۱۰۱۷-۱۴۴۹-۱۳۷۵-۱۳۶۸-۱۲۴۰-۱۳۴۵-۱۲۹۱-۱۳۳۹.

۵۶ کاربردشناسی جمله‌های پرسشی در اشعار فریدون مشیری

سال‌های پس از جنگ جهانی اول در رنج می‌باشد. شاعر ناامیدی خود را از آبادانی زمین این‌گونه بیان می‌کند:

زمین مانده اینک بدین روز و حال فروبرده سـر زـیر بـال
کمر بسته انسان به نابودیش چه داری امیدی به بهبودیش؟

(مشیری: ۱۳۵۳)

در پرسش‌های این بخش، شاعر به ناتوان بودن انسانی اشاره می‌کند که روی دو پای زمینی خود ایستاده تا خالق دنیای مدرن باشد:

آه، ای شب بی‌ستاره، فردایی نیست؟ خورشید بلند عالم‌آرایی نیست؟

(همان: ۸۷۱)

مشیری با طرح این پرسش‌ها به دنبال یک بازاندیشی زیر و رو کننده در جامعه خویش است. این اشارات نشان از این حقیقت دارد که او سرنوشت بحران‌زده انسان معاصر را محتوم و غیر قابل تغییر نمی‌داند و چشم انتظار رویش باورهای جدیدی است که بهارگونه باروری و سرسبزی را پس از سردی زمستان به ارمغان آورد:

«آه باران، ای امید جان بیداران / بر پلیدی‌ها - که عمری است در گرداب آن غرقیم / آیا چیره خواهی شد؟»^۱ (همان: ۸۴۲).

۴- جلب توجه مخاطب

یکی از اغراض پرسش جلب توجه و تأکید بر خبر است. «کاربران زبان گاهی برای جلب توجه مخاطب از ساختار پرسش استفاده می‌کنند؛ بدین شکل که بعد از جمله پرسشی معمولاً جمله خبری می‌آید» (شمیسا، ۱۳۸۳: ۱۴۱). بخش زیادی از پرسش‌های غیرایجابی به کار رفته در اشعار مشیری با هدف جلب توجه خواننده بیان شده است. شاعر با طرح این سؤالات هدفی

۱- برای ملاحظه نمونه‌های بیشتر رک: صص:

۲۹-۷۳-۱۳۴-۲۲۶-۳۱۵-۳۲۶-۳۴۶ (۳ بار) ۳۸۴-۳۹۶-۴۶۳-۴۶۵-۵۴۱ (۳ بار) ۵۵۳-۵۴۷-۵۴۵-۵۷۲-۶۱۹-۶۱۱-۶۰۸-۶۲۶-۶۳۵-۶۵۶-۶۶۹-۶۷۳-۶۹۴-۷۲۳ (۲ بار) ۷۱۶-۸۳۷-۸۷۱-۹۱۰-۱۱۷۱-۱۲۷۷-۱۲۷۹-۱۳۱۱-۱۱۷۵-۱۳۳۱-۱۳۴۶-۱۳۷۰-۱۳۹۹-۱۰۶۱-۱۴۸۶.

کاربردشناسی جمله‌های پرسشی در اشعار فریدون مشیری □ ۵۷

فراتر از پرسش دارد؛ زیرا خود پس از طرح سؤال پاسخ آن را می‌گوید. به نمونه‌های زیر بنگرید:

کران تا کران پرنیان گیاه چه می‌خواست آن دلربایی؟ نگاه

(همان: ۱۳۵۰)

ای دوست چه پرسى که سهراب کجا رفت؟ سهراب سپهرى شد و سروقت خدا رفت

(همان: ۱۲۱۹)

در شعر مشیری گاه جمله خبری قبل از پرسشی می‌آید؛ به این ترتیب که شاعر موضوعی را بیان می‌کند و سپس با آوردن سؤال آن را مؤکد می‌سازد:

«افق تاریک/ دنیا تنگ/ نومیدی توان فرساست/ می‌دانم ولیکن ره سپردن در سیاهی/ رو به سوی روشنی، زیباست/ می‌دانی؟» (همان: ۱۱۹۷).

در این گونه موارد که کارکرد خاصی در خلق فضا و القای معنی دارد، زلال‌ترین ارتباط با خواننده میسر می‌شود؛ زیرا به جای برجسته شدن راوی و مکنونات قلبی او، آنچه بیشتر نمود پیدا می‌کند، مخاطب و شنونده‌ای است که با خطاب مستقیم تشخیصی حقیقی یافته است.^۱ (Delconte, 2003 : 204).

۵- بیان تعجب و شگفتی

گاه شاعر یا نویسنده برای بیان شگفتی و حیرت خود، سؤالی می‌آورد که هدف از آن دریافت پاسخ نیست؛ بلکه بیان‌گر حیرت و تعجب اوست. در این نوع از جملات «این امکان برای گوینده هست تا حیرت خود را درباره‌ی کل گزاره نشان دهد. در این موارد صدق کل گزاره و نه ارزش یک گروه خاص مورد تعجب قرار می‌گیرد» (تاج‌آبادی و دیگران، ۱۳۹۲: ۹). کاربرد این شیوه در نمونه‌های زیر که مربوط به تعجب از عظمت روح مادر و شیرینی و

۱- برای ملاحظه نمونه‌های بیشتر ر.ک: صص: ۳۱۲ (دو مورد)- ۳۲۰-۳۲۴-۴۹۳ (سه مورد)- ۴۹۴ (چهارم ورد)- ۵۴۰ (دو مورد)- ۵۹۲-۶۱۱ (دو مورد)- ۶۵۶-۷۹۹-۸۶۲-۸۸۱-۸۹۶ (سه مورد)- ۹۵۷-۹۶۱-۹۶۵-۹۷۵-۱۰۰۵-۱۲۱۹-۱۲۶۶-۱۳۶۷-۱۴۱۶-۱۴۳۶-۱۴۲۰-۱۴۵۳-۱۴۹۲-۱۵۱۷-۱۵۳۱ (سه مورد)- ۱۵۶۶-۱۵۳۳-۱۶۰۷-۱۵۵۳-۱۴۱۱-۱۴۴۹-۱۵۵۳.

زیبایی معشوق است، آشکار می‌باشد:

مادر ای خوب / این چه روحی است عظیم؟ / وین چه عشقی است بزرگ؟ که پس از مرگ
نگیری آرام» (همان: ۳۲۱).

او شگفتی خود را از زیبایی معشوق این‌گونه بیان می‌کند:

«طعنه و دشنام تلخ، اینهمه شیرین؟ / چهره پر از خشم و مهر، اینهمه زیبا؟»^۱ (همان: ۳۷۱).

۶- استفهام تقریری

تقریر؛ یعنی «واداشتن مخاطب بر اقرار نمودن به آن‌چه که از حکم نزد او معلوم است» (ضیف، ۱۳۸۳: ۳۴۲). شاعران با آوردن این پرسش‌ها از مخاطب اقرار می‌گیرند و او را با خود هم‌عقیده می‌سازند؛ علاوه بر این، تقریر برای تثبیت آگاهی مخاطب و گوینده نیز به کار می‌رود (شیرازی، ۱۳۷۵: ۲۸۷/۲). در استفهام تقریری مخاطب به صحت قول گوینده اقرار می‌کند. آیا پایان کار همه مرگ نیست؟ (یعنی حتماً است). در این نوع از استفهام ادات سؤال معمولاً با فعل منفی همراه است (شمیسا، ۱۳۹۳: ۱۳۷). در گستره اشعار مشیری، مصادیق متعددی برای استفهام تقریری دیده می‌شود؛ به ویژه در اشعاری که با محوریت تحریض و تشویق مخاطب پرداخت شده است، می‌توان به مصادیقی از این نوع استفهام اشاره کرد:

«مگر می / این چراغ بزم جان مستی نمی‌آرد؟ / مگر افیون افسون‌کار / نهال بی‌خودی رادر
زمین جان نمی‌کارد؟» (همان: ۱۱۲).

«چه دردهای عمیقی / نمی‌توان پل بست؟ / به لحظه‌های گریزان نمی‌توان پیوست؟»
(همان: ۹۳۳).

«در این بهار نگریم چرا چو ابر بهاران؟ / که از بهار جوانی گلی به کام نچیدم»^۲ (همان: ۹۷).

۱- برای ملاحظه نمونه‌های بیشتر ر.ک: صص: ۲۶- ۳۵-۳۴-۳۵۳ (دو مورد)- ۳۷۷-۳۷۵-۵۳۱-۵۶۸- (دومورد)- ۵۸۰-۵۹۲-۶۲۲-۷۵۳-۷۶۲-
۷۹۸-۸۳۳-۸۶۳-۸۸۰-۹۳۸-۹۵۴-۹۵۵-۱۰۷۷-۱۰۶۹-۱۱۴۲-۱۱۴۶-۱۱۴۶-۱۲۴۵-۱۲۵۰-۱۴۱۶-۱۴۴۹-۱۴۵۳-۱۴۷۶-۱۳۶۸-۱۴۵۰-
۱۴۹۷-۱۴۵۳.

۲- برای ملاحظه نمونه‌های بیشتر ر.ک: صص: ۱۰۲ (۴ مورد)- ۲۰۹-۲۳۸-۲۵۹ (دو مورد)- ۲۵۱-۲۹۵-۳۳۷ (۴ مورد)- ۵۹۶-۶۱۱-۱۰۴۵-
۶۲۲-۱۰۳۸-۱۰۴۸-۱۱۰۵-۱۱۷۵-۱۴۵.

۷- اعتراض

در این بخش اعتراض گوینده به عمل شخصی و یا وقوع مسأله‌ای با جمله‌ای پرسشی مطرح می‌شود؛ مانند جمله «چرا من؟» (رضایی، ۱۳۸۲: ۷۱). با توجه به توضیحات پیشین در بارهٔ اوضاع روزگار مشیری، آشکار است که پناه بردن نوگرایان به دیدگاهی معترضانانه با درک شکنندگی انسان و جهان مفهومی متداول باشد (Brooker, 2005: 58). در واقع پراکنندگی روابط انسانی و زندگی‌های منفرد و منزوی در روزگار شاعر است که کلیت جامعهٔ انسانی را تبدیل به جزایر متروکه و مستقل کرده است. راس (Ross) معتقد است که این مفاهیم نشان‌دهندهٔ درماندگی تاریخ بعد از جنگ جهانی و تنهایی و انزوای جامعه‌ای است که در آن برقراری ارتباط میان آدمیان دشوار شده است. (Ross, 1984: 142)

مشیری نیز در قالب پرسش اعتراض خویش را به بسیاری از این مسایل، مطرح می‌کند. بخش دیگری از این پرسش‌ها آینه‌ای می‌شود برای بازتابانی اعتراض شاعر به محدودیت معرفت بشری و ناتوانی انسان از کشف اسرار هستی و نا محدود بودن رازهای آفرینش. اگر به منظور بازنمایی دقیق‌تر این نوع اعتراض، به دنبال مصداقی باشیم، می‌توان به ابیات زیر که مربوط به اعتراض شاعر به مرگ عزیز از دست‌رفته‌اش است، استناد کرد:

«ای کدامین دست ناپیدا در این هفت آسمان / تا کجا گسترده‌ای این دام را؟ / تا به کی می‌پروری این مرگ خون‌آشام را؟ / کی به پایان می‌رسانی این ربودن‌های بی‌هنگام را؟»^۱ (همان: ۸۶۹).

۸- تجاهل العارف

اظهار بی‌اطلاعی در زبان در دو حیطه اتفاق می‌افتد: بخشی که مربوط به زبان واقعی و قاموسی است و به منظور کسب خبر یا اعلام بی‌خبری ابراز می‌شود. بخش دیگر که تجاهل العارف نامیده می‌شود؛ در واقع آفرینش ادبی محسوب می‌شود که با شگردهایی چون

۱- برای ملاحظهٔ نمونه‌های بیشتر رک: صص: ۴۸-۱- ۶۷-۶۰۸-۶۲۶-۶۳۵-۶۵۶-۱۲۷۷-۱۲۷۹-۱۳۱۱-۱۳۷۲-۱۵۴۵-۱۵۴۶ (دو مورد).

۶۰ کاربردشناسی جمله‌های پرسشی در اشعار فریدون مشیری

تشبیه، تشخیص، استعاره و دیگر صناعات ادبی به همراه پرسش ایجاد می‌شود و حاصل کشف رابطه یا ایجاد پیوند میان دو یا چند امر است که به ظاهر ارتباطی با هم ندارند. در این شیوه گوینده سخن با وجود این که چیزی را می‌داند، خود را بی‌اطلاع وانمود نماید (همایی، ۱۳۷۴: ۲۸۵)، نحوه بیان معمولاً به صورت سؤال بلاغی است و نیز گاهی از افعال نفی از قبیل «نمی‌دانم» و «نفهمیدم» استفاده می‌شود. (شمیسا، ۱۳۷۴: ۸۰)

به لحاظ کاربرد تجاهل العارف در شعر معاصر یا شعر نو تداعی‌کننده شعر فاخر فارسی است (داد، ۱۳۸۲: ۹۴). در نمونه‌های زیر از شعر مشیری که حاصل کشف رابطه یا ایجاد پیوند میان دو یا چند امر است که به ظاهر ارتباطی با هم ندارند، کاربرد تجاهل العارف آشکار می‌باشد:

«همه اندیشه‌ام اندیشه اوست / نمی‌بینم به غیر از دوست این‌جا / خدا یا این منم یا دوست این‌جا؟» (مشیری: ۲۷۶).

«موجی از نفرین این بیچاره آدم بود و / در چشمان کور آسمان می‌ریخت / یا که باد رهگذر، سوقات انسان را به درگاه خدا می‌برد؟» (همان: ۵۲۷).

«لابه‌لای لاله‌زاران شفق / اشک خورشید است یا خون شقایق؟» (همان: ۱۵۲۴).

«زندگی ذره ذره می‌کاهد / خشک و پژمرده می‌کند؛ چون برگ / مرگ ناگاه می‌برد؛ چون باد / زندگی دشمنی کرده یا مرگ؟» (همان: ۹۲۹).

«آن که باید بگذرد از قلب این طوفان تویی یا دیگری؟» (همان: ۹۴۶)

«مخمل مهتاب بود این یا طنین بال قو؟»^۱ (همان: ۹۵۱).

۹- تأکید معنوی (استفهام تأکیدی)

تأکید عبارت است از تثبیت یک معنی و مفهوم در ذهن مخاطب و تقویت و عمق بخشیدن به آن برای رفع هرگونه شک و تردید و ابهام نسبت به آن معنا و مفهوم مورد نظر با بهره‌گیری از ادوات و کلمات و اسلوب‌های خاص بیانی. (فاضلی، ۱۳۸۲: ۵۵۳) یکی از این اسلوب‌های

۱- برای ملاحظه نمونه‌های بیشتر ر.ک: صص: ۲۹۰-۳۱۲-۸۱۲-۹۲۹-۹۴۶-۱۲۰۱-۱۴۳۶-۱۵۵۷-۱۵۴۸.

کاربردشناسی جمله‌های پرسشی در اشعار فریدون مشیری □ ۶۱

بیانی، استفاده از پرسش برای تأکید است. «این نوع جمله پرسشی برای تأکید و اصرار بر انجام دادن یا ندادن کاری است؛ مانند چرا گریه نکنیم؟؛ یعنی باید گریه کنیم» (رضایی، ۱۳۸۲: ۷) استفاده از این اسلوب در نمونه‌های زیر آشکار است:

«شاید از این تیرگی‌ها بگذریم / ره به سوی روشنایی‌ها بریم / می‌روم شاید کسی پیدا شود / بی تو کی این قطره دل دریا شود؟» (همان: ۷۵۵)

در تسلیت مرگ منوچهر کوشیار می‌گوید: «فراموش گشتگان، همه در گذشته / فراموش کی شود منوچهر کوشیار؟» (مشیری، ۱۳۸۸: ۹۱۱)

«آغوش من تهی است کجا رفتی؟ / کی از توأم به جز تو تمنا بود؟»^۱ (همان: ۶۸)

۱۰- تشویق

در این بخش هدف از سوال دستور دادن است. «آیا بهتر نیست بریم؟ یعنی بریم» (شمیسا: ۱۱۱). مشیری در هشت بیت از اشعارش با طرح سؤال و استفهام، گستره زبان و بیانش را وسیع می‌سازد و از تنوع و گونه‌گونی تأثیرگذاری بر مخاطب برای تشویق به انجام کاری بهره می‌برد. در این اشعار، آنچه به وضوح دیده می‌شود، رویکرد بلاغی و غیرایجابی این پرسش‌ها جهت اقناع و انگیزش مخاطب و دست‌یابی به تأیید ذهنی او در القای مفاهیم و موضوعات اعتقادی شاعر است که موجب تقویت زمینه تعلیمی شعر او می‌گردد. به نمونه زیر بنگرید:

«مگر نه خاک ره این خرابه باید شد؟ / بیا که کام بگیریم از این جهان خراب»^۲ (مشیری، ۱۳۸۸: ۲۸۵).

۱۱- استفهام انکاری

انکار بدین معناست که متکلم با مورد سؤال قرار دادن معنا، پیام و اندیشه موجود در سؤال آن را نفی کند و منکر شود» (شیرازی، ۱۳۷۵: ۲/۲۸۸). غرض انکار را زمخشری تحت عنوان

۱- برای ملاحظه نمونه‌های بیشتر رک: صص ۲۸-۸۸۴-۸۸۶-۸۴۰-۷۳۰-۷۱۴-۷۱۵-۸۴۰.

۲- برای ملاحظه نمونه‌های بیشتر رک: صص ۱۳۶-۱۳۸-۱۶۴-۲۷۵-۲۸۶-۸۴۲-۸۷۱.

۶۲ کاربردشناسی جمله‌های پرسشی در اشعار فریدون مشیری

نفی ذکر می‌کند (ضیف، ۱۳۸۳: ۳۲۸). مشیری در هشت بیت شعر با به کار بردن استفهام انکاری مطلبی را به مخاطب آگاه خود تذکر می‌دهد و با لحن توبیخ‌آمیز نهفته در این نوع پرسش درصدد اقتناع مخاطب و گرفتن تأیید آن‌ها برمی‌آید و مطلب را چنان بدیهی می‌نماید که ضمیر مخاطب بدون موضع‌گیری با آن مواجه شود. ابیات زیر گواهی است بر این مدعا: «بانگ غوکان می‌توان نشنید؟/ یاوه‌گویی‌های جانکاه کلاغان/ می‌توان با آن مدارا کرد؟» (همان: ۸۶۲).

«اما دلم چون چوب تر، از هر دو سر سوخت/ برگی از این دفتر بخوان، شاید بگویی/ آیا که از این می‌تواند بیشتر سوخت؟»^۱ (همان: ۹۷۵).

۱۲- بتّ و شکوی و گله‌مندی

هنگامی که عواطف احساسات خدشه‌دار شده، ظرف زبان هنجار را برای ظهور تنگ می‌یابند، شاعر در چهار بیت از اشعارش از پرسش‌های بلاغی استفاده می‌کند تا گله‌مندی خویش را ابراز کند:

«نمی‌دید دلم دیوانه‌توست؟/ نپرسیدی چرا حال دلم را؟» (همان: ۱۰۲)
«با این همه جفا که ز دست تو می‌کشم/ آخر چگونه بخوانم تو را حبيب خویش؟» (همان: ۱۲۶)

۱۳- تردید

چهار بیت از اشعار مشیری نشان می‌دهد که ذخایری تجربی که در ناخودآگاه او رسوب یافته‌است، ضمن ترکیبی خودکار و غیراداری با دیگر ذخایر ذهن، در کسوت پرسشی بلاغی با کارکرد تردید جلوه کرده است:
«من از این جا چه می‌خواهم؟ نمی‌دانم» (همان: ۵۲۳)

۱- برای ملاحظه نمونه‌های بیشتر رک: صص ۱۰۲-۱۳۴-۱۷۷-۲۱۲-۳۵۶-۳۷۷.

۱۴- نهی

نهی همان طلب است و درخواست؛ منتها نه درخواست انجام دادن یک امر؛ بلکه درخواست ترک آن کار است (تجلیل، ۱۳۶۳: ۲۷). هدف از طرح پرسش‌های زیر، نهی کردن مخاطب از انجام دادن فعلی است:

«ای رهنورد خسته چه نالی ز سرنوشت؟ / دیگر تو را به منزل راحت رسانده است / دروازه طلایی آن را نگاه کن / تا شهر مرگ راه درازی نمانده است» (همان: ۲۸۰)

«تا عشق با تو زمزمه دارد، چه جای خواب؟ / ماه و گل و نسیم و طراوت را / دریاب، لحظه‌ها گذرانند چون شهاب» (همان: ۱۰۸۴)

۱۵- عجز و ناتوانی

مشیری در سه بیت از اشعارش برای نشان دادن عجز و درماندگی در انجام برخی امور از پرسش استفاده می‌کند. به نمونه‌های زیر بنگرید:

«هزار کار در اندیشه پیش رو دارم / تو می‌رباییم از خود، بگو چه کار کنم؟» (مشیری، ۱۳۸۸: ۱۰۴۵)

«پرسی اگر / جمال جهان را / باری چگونه دیدی؟ / در پاسخت بگو، چه بگویم؟» (همان: ۱۴۲۰)

۱۶- ناباوری

در سه بیت از اشعار مشیری که مربوط به رثای نزدیکان او بوده است، ناباوری این فقدان از طریق پرسش بلاغی نشان داده شده است. استفاده از این شیوه در ابیات زیر آشکار است:

«در سوگ مرد مردان / از درد می‌گدازم / آن جان تابناک نباشد؟ / باور نمی‌کنم» (همان: ۱۳۳۱)

«باقامت کشیده ات / ای سروسرفراز / آخر چگونه خفتی / آن گور تنگ؟» (همان: ۸۸۳)

استفهام استبطایی از اقسام استفهام مجازی که نشان می‌دهد که گوینده از تأخیر درنگ ایجاد شده در انجام کاری گله دارد؛ لذا گله خود را در قالب سؤال و استفهام بیان می‌کند (سیوطی، ۱۳۶۷/ ج ۳: ۲۷۲)؛ مانند پرسشی که در این آیه زیر از سوره بقره مطرح می‌شود: «مَتَى نَصْرُ اللَّهِ؟» ترجمه: پیروزی خدا کی خواهد بود؟ (بقره: ۲۱۴) در ابیات زیر، شاعر در گفتگوی عاطفی با محبوب خویش، گلابه خویش را از تأخیر وصال با این نوع استفهام بیان می‌کند:

«آه! ای آرامش جاوید کی آیی به دست؟» (همان: ۱۳۸۸)

«چشم من روشن، روی تو سپید/ جان به لب آمده در ظلمت غم/ کی به دادم می‌رسی ای صبح امید؟» (همان: ۲۷۵)

«ای ره گشوده در دل دروازه‌های ماه/ با توسن گسسته عنان/ از هزار راه/ رفتن به اوج قلعه مریخ و زهره را تدبیر می‌کنی/ آخر به ما بگو / کی قلعه بلند محبت را تسخیر می‌کنی؟» (همان: ۶۲۷)

۱۸- استبعاد

گاه جملات پرسشی بیانگر امری بعید هستند. در این‌گونه جملات از او مباینت یا استبعاد استفاده می‌شود. و او مباینت کمک می‌کند تا پیام جمله برجسته‌تر شود. این کارکرد به دوری بین دو چیز یا دو موضوع یا بعید بودن امری اشاره دارد. از این‌گونه پرسش‌ها فقط دو بار در اشعار مشیری استفاده شده است:

«تو و تابیدن در کلبه درویشی ما؟ / تو خود این‌گونه نخواهی که خدا می‌خواهد» (همان:

۱۰۶۷)

«چشمی به هزار چهره حیران/ جانی به هزار رشته در بند/ یک عاشق و صد هزار

معشوق؟» (همان: ۱۳۶۸)

۱۹- شمول حکم

هرگاه گوینده از طریق پرسش قصد داشته‌باشد، حکمی را برای یک جمع قطعی و حتمی اعلام کند از این شگرد استفاده کرده است؛ مثلاً بگوید: «کیست که طعم مرگ را نچشد؟» (شمیسا: ۱۱۶) مشیری از این نوع استفهام در دو بیت زیر بهره برده است:

«آیا کسی ز دیدن گل سیر خواهد شد؟ / آیا کسی در صحبت گل پیر خواهد شد؟» (همان: ۹۱۲)

«وقتی بنفشه‌های بهاری / در چارسوی گیتی / بوی غبار وحشت و باروت می‌دهند / آیا کسی صفای بهاران را / هرگز گلی به کام تواند چید؟» (مشیری، ۱۳۸۸: ۶۱۹)

۲۰- هشدار

گاهی شاعر یا نویسنده برای بیان هشدار به مخاطب خود، سؤالی می‌آورد که هدف از آن دریافت پاسخ نیست؛ بلکه بیان‌گر اخطار و تحذیر اوست. کاربرد این شیوه در دو بیت زیر که مربوط به موضع‌گیری مشیری در برابر مسایل و مفاهیم اجتماعی، آرمان‌ها، آرزوها و درد و دریغ‌های انسانی است، آشکار می‌باشد:

«ای مردم، در این جهان به چه کارید؟ / عمرگران‌مایه را چگونه گزارید؟ / هرچه به عالم بود، اگر به کف آرید / هیچ ندارید، اگر که عشق ندارید» (همان: ۹۶۵).

«فردا که جهان را بدرود کنیم به درد / آه آن همه خاک را چه خواهی کرد؟» (همان: ۱۲۹۱)

۲۱- امیدواری

مشیری در یک بیت از اشعارش با طرح سؤال و استفهام، قصد تأثیرگذاری بر مخاطب برای امید بخشی دارد. در این بیت، آنچه به وضوح دیده می‌شود، رویکرد بلاغی و غیرایجابی این پرسش جهت تلاش گوینده برای امیددادن به مخاطب است:

«آوای کیست که از راه‌های دور / سر می‌کند ترانهٔ جان‌پرور امید؟ / ... / آوای گرم کیست که همچون سروش غیب / هر شب به گوش می‌رسد از راه‌های دور؟» (همان: ۱۳۶)

۲۲- تعظیم

مشیری در بیت زیر برای بیان عظمت چیزی و ناتوانی از وصف آن از شیوه پرسش بلاغی بهره برده است: «آیا کدامین کوه با این شکوه/ برشده تا آسمان مهر؟» (همان: ۱۲۴۵)

۲۳- تحقیر

تحقیر نیز یکی دیگر از کاربردهای جمله‌های پرسشی است که در این بیت مشیری دیده می‌شود: «آیا شما، یک لحظه، یک نفس، نه یک بار/ در طول زندگیتان فکر می‌کنید؟» (همان: ۹۸۲)

۲۴- انکار

گاهی هدف از طرح یک پرسش آگاه شدن نیست و گوینده به قصد انکار باورهای مخاطب از پرسش استفاده می‌کند. مشیری نیز همانند شاعران و روشنفکران جامعه که شاهد فقر و بدبختی مردم بودند، به دلیل تزلزل ارکان جامعه و مشکلات مردم پرسش زیر را برای اهداف اجتماعی خویش مطرح می‌کند:

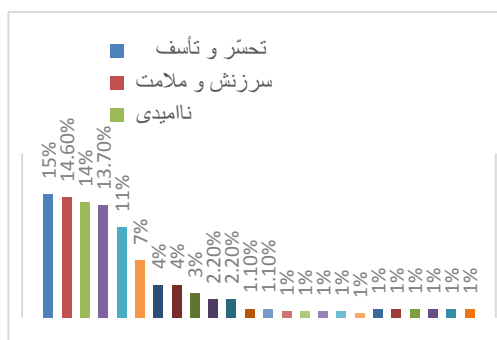
«چرا از مرگ می‌ترسید؟ / کجا آرامشی از مرگ خوشتر کس تواند دید؟» (همان: ۳۳۷)

فراوانی و درصد کاربردهای مختلف جملات پرسشی در اشعار مشیری

درصد	بسامد	اغراض ثانویه
۱۵٪	۵۵	تحسّر و تأسف
۱۴/۴٪	۵۲	سرزنش و ملامت
۱۴٪	۵۱	ناامیدی
۱۳/۷٪	۵۰	جلب توجه مخاطب
۱۱٪	۴۱	تعجب و شگفتی
۷٪	۲۶	استفهام تقریری
۴٪	۱۵	اعتراض
۴٪	۱۵	تجاهل العارف
۳٪	۱۱	تأکید معنوی (استفهام تأکیدی)
۲/۲٪	۸	تشویق

کاربردشناسی جمله‌های پرسشی در اشعار فریدون مشیری ❏ ۶۷

درصد	بسامد	اغراض ثانویه
۲/۲٪	۸	استفهام انکاری
۱/۳٪	۵	بشّ و شکوی و گله‌مندی
۱/۱٪	۴	تردید
۰/۸۲٪	۳	نهی
۰/۸۲٪	۳	عجز و ناتوانی
۰/۸۲٪	۳	ناباوری
۰/۸۲٪	۳	استبطاء (دیر انگاشتن و کند شمردن)
۰/۵۵٪	۲	استبعاد
۰/۵۵٪	۲	شمول حکم
۰/۵۵٪	۲	هشدار
۰/۲۷٪	۱	امیدواری
۰/۲۷٪	۱	تعظیم
۰/۲۷٪	۱	تحقیر
۰/۲۷٪	۱	انکار
۱/۰۰٪	۳۶۳	مجموع



نتیجه

بررسی گزاره‌های پرسشی اشعار فریدون مشیری، لایه‌های دیگری از بلاغت آن‌ها را آشکار می‌کند. استفاده از گزاره‌های پرسشی مختلف با کنش‌های هدفمند، جایگاه ویژه هر گزاره و نیز ترتیب آن‌ها بیانگر کارکرد هدفمند و پویای گزاره‌های پرسشی این اشعار است. با بررسی گزاره‌های پرسشی اشعار مشیری نتایج زیر به دست آمد:

در اشعار فریدون مشیری ۳۶۳ گزاره پرسشی به شیوه استفهام مجازی یا پرسش غیر ایجابی به کار رفته است که نقش مهمی در بلاغت و تأثیر کنشی و بیرونی گزاره‌های زبانی دارند. در این میان کاربرد تحسّر و تأسف از گزاره‌های پرسشی بالاترین بسامد را (۱۵٪ درصد از کل پرسش‌های بلاغی) در اشعار مشیری به خود اختصاص داده است؛ زیرا محور و اساس شعر او احساس و عاطفه است. این ویژگی به دلیل بسامد بالا از شاخص‌های برجسته در سبک مشیری است که سخن وی را در میان شاعران معاصر متفرد و یگانه ساخته است. بسامد بالای پرسش‌های ملامت‌بار (۱۴/۴٪ درصد) و سرشار از ناامیدی (۱۴٪ درصد) نیز نشان‌دهنده دنیای سرد و منجمد ایران پس از سال‌های ۱۳۲۰ است که روحیه یأس و استیصال در روشنفکران آن زمان پس از واقعه کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به اوج رسید و بسیاری از فعالیت‌های فرهنگی و سیاسی را به یک‌باره در افول مطلق فرو برد. تبعات این واقعه در شعر مشیری به شکل نارضایتی از شرایط اجتماعی جلوه‌گر شد که شایسته ملامت است.

دیگر اغراض پرکاربرد پرسش در شعر مشیری به ترتیب بسامد عبارتند از: جلب توجه مخاطب (۱۳/۷٪ درصد)، بیان تعجب و شگفتی (۱۱٪ درصد)، استفهام تقریری (۷٪ درصد)، اعتراض (۴٪ درصد)، تجاهل العارف (۴٪ درصد)، استفهام تأکیدی (۳٪ درصد)، تشویق (۲/۲٪ درصد)، استفهام انکاری (۲/۲٪ درصد)، بث و شکوی و گله‌مندی (۱/۳٪ درصد)، تردید (۱/۱٪ درصد)، نهی (۰/۸۲٪ درصد)، عجز و ناتوانی (۰/۸۲٪ درصد)، ناباوری (۰/۸۲٪ درصد)، استبطاء (دیرانگاشتن و کندشمردن) (۰/۸۲٪ درصد)، استبعاد (۰/۵۵٪ درصد)، شمول حکم (۰/۵۵٪ درصد)، هشدار (۰/۵۵٪ درصد)، امیدواری (۰/۲۷٪ درصد)، تعظیم (۰/۲۷٪ درصد)، تحقیر (۰/۲۷٪ درصد) و انکار (۰/۲۷٪ درصد).

منابع و مأخذ

الف) منابع فارسی

- ۱- باقری خلیلی؛ محمودی نوسر، مریم. «منظور شناسی جمله‌های پرسشی در غزلیات سعدی». فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، س ۶، ش اول، صص ۴۳-۵۷، ۱۳۹۲.
- ۲- تاج‌آبادی و دیگران. «ساخت‌های تعجبی در زبان فارسی». جستارهای زبانی. د ۴. ش ۳ (پیاپی ۱۵). صص ۱-۲۱، ۱۳۹۲.
- ۳- تجلیل، جلیل. معانی و بیان. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، چاپ دوم، ۱۳۶۳.
- ۴- داد، سیما. فرهنگ اصطلاحات ادبی. تهران: مروارید، چاپ اول، ۱۳۸۲.
- ۵- دهقانیان، جواد؛ ملاحی، عایشه. «بررسی تطبیقی مضامین عاشقانه در آثار فریدون مشیری و نزار قبانی». نشریه ادبیات تطبیقی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، س ۴، ش ۸، صص ۸۹-۱۱۸، ۱۳۹۲.
- ۶- رجایی، محمد خلیل(ش). معالم البلاغه در علم معانی و بیان و بدیع. شیراز: دانشگاه شیراز، چ ۵، ۱۳۷۹.
- ۷- رحیمیان، جلال؛ شگری احمدآبادی، کاظم. «نقش‌های معنایی-منظوری جملات پرسشی در غزلیات حافظ»، مجله علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه شیراز، دوره ۱۸، ش ۱، صص ۱۷-۳۴، ۱۳۸۱.
- ۸- رضایی، والی. «کاربردشناسی جمله‌های پرسشی در زبان فارسی». مجله زبان‌شناسی. ش ۲، ۵۹-۷۸، ۱۳۸۲.
- ۹- شفیعی کدکنی، محمدرضا. با چراغ و آینه. در جست و جوی ریشه‌های تحول شعر معاصر ایران. تهران: سخن، ۱۳۹۰.
- ۱۰- شمیسا، سیروس. نگاهی تازه به بدیع. تهران: فردوس، چ ۷، ۳۷۴.
- ۱۱- ——. معانی، تهران: میترا، چاپ دوم، ۱۳۹۳.
- ۱۲- شیرازی، محمدمبین (ش). آیین بلاغت. ترجمه: ترکی، محمدرضا. تهران: سمت، چاپ سوم، ۱۳۷۵.
- ۱۳- صاحب اختیاری، بهروز؛ باقرزاده، حمید. فریدون مشیری، شاعر کوچۀ خاطره‌ها. تهران: هیرمند، ۱۳۸۴.
- ۱۴- صفایی، علی؛ احمدی، علی. «مقایسه شعر سیاه فروغ فرخزاد و نصرت رحمانی». پژوهش‌های ادبی. سال هفتم، شماره ۲۷، صص ۹-۳۶، ۱۳۸۹.

۷۰ کاربردشناسی جمله‌های پرسشی در اشعار فریدون مشیری

- ۱۵- ضیف، شوقی (ش). تاریخ تطور علم بلاغت. ترجمه: ترکی، محمدرضا. تهران: سمت، چاپ اول، ۱۳۸۳.
- ۱۶- علوی‌مقدم، محمد؛ اشرف‌زاده، رضا (ش). معانی و بیان. تهران: سمت، چاپ سوم، ۱۳۸۱.
- ۱۷- فاضلی، محمد. شیوه‌های بیان قرآن کریم. مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد، چاپ اول، ۱۳۸۲.
- ۱۸- مشیری، فریدون. بازتاب نفس صبحدمان، کلیات اشعار. تهران: چشمه، جلد اول و دوم، چاپ هشتم، ۱۳۸۸.
- ۱۹- همایی، جلال‌الدین. فنون بلاغت و صناعات ادبی. تهران: نشرهما، چاپ یازدهم، ۱۳۷۴.
- ۲۰- یارمحمدی، لطف‌الله (ش). چه فکر می‌کنیم، چه می‌گوییم و چه می‌فهمیم. تهران: ثالث، چاپ اول، ۱۳۸۱.

ب) منابع عربی

- ۱- ابن‌الأثیر، أبوالفتح. المثل السائر فی أدب الکاتب و الشاعر. القاهرة: دارالعلم، ط ۳، ۱۹۳۹م.
- ۲- أبوالعدوس، یوسف. الأسلوبیة الرؤیه والتطبیق. عمان: دارالمسیره، ط ۳، ۱۴۲۷ق.
- ۳- التفتازانی، سعدالدین. مختصر المعانی. قم: دارالفکر، ط ۲، ۱۴۱۲ق.
- ۴- سکاکی، أبویعقوب. مفتاح العلوم. تعلیق: زرزور، نعیم. بیروت: دارالکتب العلمیة، ط ۳، ۱۴۰۷ق.
- ۵- سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن بن ابی‌بکر. الاتقان فی علوم القرآن. تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم. بیروت: دارالکتب العالمیة، ۱۳۶۷.
- ۶- عسکری، أبوہلال. الصناعتیین. القاهرة: داراحیاء الکتب العربیة، ط ۱، ۱۹۵۲م.
- ۷- مطلوب، أحمد. معجم المصطلحات البلاغیة و تطورها. بغداد: المجمع العلمی العراقی، ط ۱، ۱۴۰۳ق.
- ۸- هاشمی، احمد. جواهر البلاغه فی المعانی و البیان و البدیع. تهران: سرور، ط ۲، ۱۴۲۵ق.

ج) منابع لاتین

- 1- Abrams, M. H. (1993). Glossary of literary Term. Ithaca: Harcourt.
- 2- Bentley, Joseph, and Jewel Brooker. (1990). Reading the Waste Land: Modernism and the Limits of Interpretation. Amherst: U of Massachusetts P, Print.
- 3- Brooker, Jewel. (2005). "Dialectic and impersonality in T. S. Eliot". Journal of Literature and the History of Ideas. MUSE. Web. 3: 129-51.
- 4- Bloom, Harold. (1999). T. S. Eliot: Comprehensive Research and Study

□ فصلنامه زیبایی‌شناسی ادبی ❖ سال پانزدهم ❖ شماره ۳۴

Guide. Broomall, PA: Chelsea House, Print.

5- Delconte , Matt (2003). "Why you Can't speak? : second person narration, voice and a new model for understanding narrative " *Style* , Vol 37, No 2: 204-219.

6- Frow ,John. (2005) .*Genre* .London and New York: Rutledge.

7- Kenner, Hugh. (1949). "Eliot's moral dialectic." *The Hudson Review* 2 (421-48), Retrived form JSTOR. Web. 5 Feb. 2012.

8- Layouns, John (1990). *Language and linguistics*. Cammbridge: Cambridge University press.

9- Ross, Andrew. (1984). "The Waste Land and the Fantasy of Interpretation." *Representations* . 8: 134-58. Retrived form JSTOR. Web. 5 Feb. 2012. Ed. Michael North. New York: Norton, 210-211.